

تحریف در روایت «تقتله الفئة الباغية» از صحیح بخاری

جلال رضایی نیجی^۱

سیدمحسن موسوی^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۷، پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸، صفحه ۲۶۱ تا ۲۸۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

انگیزه‌های متعددی برای تحریف روایات در منابع عامه مسلمانان وجود داشته و دارد که یکی از آن‌ها حذف لغزش‌های صحابه رسول خدا (ص) و مشاجرات بین آن‌ها است. در کتاب صحیح بخاری روایتی وجود دارد که رسول خدا (ص) درباره عمار بن یاسر جملاتی می‌فرماید و سپس با عبارت «تقتله الفئة الباغية» پیش‌گویی می‌کنند که عمار بن یاسر به دست گروهی طغیان‌گر به شهادت می‌رسد. این عبارت امروزه در برخی از نسخه‌های چاپ شده از کتاب صحیح بخاری دیده نمی‌شود. این نوشتار در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که اولاً آیا عبارت موردنظر از همان ابتدا در متن روایت کتاب صحیح بخاری وجود داشته است یا نه؟ و ثانیاً دلیلی بر اثبات تحریف عبارت مورد نظر در برخی از نسخه‌ها وجود دارد؟ طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، این عبارت توسط بخاری از متن روایت حذف گردیده، و بعدها در برخی از نسخه‌ها وارد متن کتاب شده است.

کلیدواژه‌ها: تحریف حدیث، نقد حدیث، صحیح بخاری، عمار، جنگ صفین.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

jalaltiji@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. m.musavi@umz.ac.ir

درآمد

در منابع عامه، روایتی از قول رسول خدا (ص) دربارهٔ عمار بن یاسر، نقل شده است که می‌توان آن را به نوعی پیش‌گویی ایشان دربارهٔ اتفاقات آیندهٔ جامعهٔ اسلامی و تعیین مرزبندی میان حق و باطل در فتنه‌هایی که پس از شهادت رسول خدا (ص) اتفاق افتاده است دانست. در این روایت که با الفاظ و تعابیر متعدد نقل شده است، رسول خدا (ص) خطاب به عمار فرمودند: «تقتلک الفئة الباغية». «بغی» که یک واژه قرآنی است، به معنای ظلم، فساد، طلب و خواستن، کبر و خودبزرگ‌بینی و تجاوز از حد یا حق آمده است (ترابی، ۱۳۷۶ش، ۳/۵۹۵).

برخی از لغت‌شناسان هم‌چون راغب اصفهانی (د ۵۰۲ق) بر مبنای برخی از آیات قرآن این واژه را بر دو گونه دانسته‌اند: بغی پسندیده، که گذر کردن از عدل به سوی احسان و از واجبات به سوی مستحبات است؛ و بغی ناپسند، که تجاوز از حق به سوی باطل است (همان‌جا). «بغی» در قرآن بیش‌تر به معنای ظلم و تجاوز از حد یا حق به کار رفته است (شوری/ ۴۲؛ حجرات/ ۹). «فئة باغية» اصطلاحاً به معنای کسی است که از اطاعت امام عادل و برحق خارج شده و در برابر او عصیان و سرکشی کند (ترابی، ۱۳۷۶ش، ۳/۵۹۵).

این روایت در منابع متعدد عامه از جمله مصنف ابن‌ابی‌شیبہ (د ۲۳۵ق)، مسند احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق) و صحیح مسلم (د ۲۶۱ق) آمده است (نک: ابن‌ابی‌شیبہ، ۱۴۰۹ق، ۷/۵۴۷؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۷/۵۳؛ مسلم بن حجاج، بی‌تا، ۴/۲۲۳۵). بنابر گفتهٔ ابن‌عساکر (د ۵۷۱ق) از محدثان سدهٔ ۶ق، این روایت از قول ۲۳ صحابی از جمله: ام سلمه، ابوسعید خدری، خزیمه بن ثابت، عثمان بن عفان، ابوهیرره، انس بن مالک، حذیفه بن یمان، عبدالله بن عباس، و جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۳/۴۱۷). شمار راویان این حدیث بالغ بر ۲۹ نفر است. ابن‌عساکر گرچه روایت آن‌ها را نیز ذکر کرده است؛ اما نام آن‌ها در فهرست راویان این حدیث مشاهده نمی‌شود. احتمال آن می‌رود که او به دنبال ذکر تمام راویان این حدیث در آن فهرست نبوده است.

طرح مسئله

محمد بن اسماعیل بخاری (د ۲۵۶ق) روایت «فئة باغية» را در صحیح از قول ابوسعید خدری در کتاب «الصلاة»، باب «التعاون في بناء المسجد» و هم‌چنین در کتاب «الجهاد و السير»، باب «مسح الغبار عن الرأس في سبيل الله» با اندکی اختلاف در متن و سند آورده است. متن روایت از کتاب «الصلاة» بدین گونه است:

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَالِدُ الْحَدَّادُ، عَنْ عِكْرِمَةَ، قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ وَلَا بِيَهُ عَلِيٌّ: انْطَلَقْنَا إِلَى أَبِي سَعِيدٍ فَأَسْمَعَا مِنْ حَدِيثِهِ، فَأَنْطَلَقْنَا فَإِذَا هُوَ فِي حَائِطٍ يُضْلِحُهُ، فَأَخَذَ رِدَاءَهُ فَأَخْتَبَنِي، ثُمَّ أَنْشَأَ يُحَدِّثُنَا حَتَّى أَتَى ذِكْرَ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: كُنَّا نَحْوِلُ لَبْنَةَ لَبْنَةَ وَعِمَارَ لَبْنَتَيْنِ لَبْنَتَيْنِ، فَرَأَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَنْفُضُ التُّرَابَ عَنْهُ، وَيَقُولُ: «وَيْحَ عِمَارَ، تَقْتُلُهُ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ، يُدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَيَدْعُوْنَهُ إِلَى النَّارِ» قَالَ: يَقُولُ عِمَارُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۱/۹۷)

با پذیرش انتساب این روایت به پیامبر اکرم (ص)، باید چنین حکم کرد که ایشان در این روایت بر اساس علم‌شان به آینده پیش‌بینی کردند که عمار به دست گروهی طغیان‌گر کشته می‌شود. چنان‌که ابن‌عبدالبر (د ۴۶۳ق) از محدثان و تاریخ‌نگاران سده ۵ق این روایت را یکی از اخبار غیب صادر شده از جانب پیامبر (ص) دانسته و آن را نشانه‌ای بر نبوت ایشان می‌داند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۳/۱۱۴۰).

در باره این‌که این گروه چه گروهی هستند، باید گفت که در اکثر منابع عامه آمده است که عمار در جنگ صفین توسط سپاه معاویه به شهادت رسید. ابوالغادیه جهنی یکی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۲۷/۲۵۲) که در جنگ صفین در لشکر معاویه حضور داشت، عمار را به شهادت رساند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ۳/۱۹۸). حتی بنا بر گزارش ذهبی (د ۷۴۸ق) از علماء رجال که در سده ۸ق می‌زیسته است، خود ابوالغادیه از سول خدا (ص) روایت کرده است که قاتل عمار در آتش است. ذهبی پس از بیان این روایت، تعجب می‌کند که ابوالغادیه که خود راوی این روایت بود، عمار را به شهادت رساند (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۱/۴۸۸).

در کنار این اخبار تاریخی، روایاتی نیز وجود دارد که سپاه معاویه هم‌چون «فئة باغية» معرفی شده است. برای نمونه، عماره بن خزيمة بن ثابت می‌گوید:

«جدم خزيمة بن ثابت در جنگ جمل و صفین، شمشیرش همواره در غلاف بود؛ تا آن‌که عمار

به شهادت رسید. پس شمشیرش را بیرون کشید و جنگید تا آن که به شهادت رسید. او گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: عمار را گروهی طغیان گر می‌کشد» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۹۸/۳۶).

نکته‌ای که از این روایت برداشت می‌شود، آن است که در عصر امام علی (ع) افرادی نیز بودند که در پیوستن به ایشان مردد بوده، و قدرت تشخیص حق و باطل را نداشتند. حدیث «فئة باغیة» معیاری برای شناخت حق و باطل در مخاصمات صدر اسلام بوده است. به گونه‌ای که شهادت عمار به دست سپاه شام در جنگ صفین موجب تزلزل لشکر معاویه و بروز مشکلاتی برای او شد (ترابی، ۱۳۷۶ش، ۳/۵۹۶). این تزلزل در سپاه معاویه به جایی رسید که وقتی عمرو عاص خبر کشته شدن عمار را با ناراحتی به معاویه داد، و حدیث پیامبر (ص) را به او یادآوری کرد، معاویه برای فرار از این مشکل و آرام کردن سپاهش این حدیث را این‌گونه تأویل نمود که عمار را ما نکشتیم؛ بلکه علی و یارانش کشتند که او را همراه خویش به جنگ آوردند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۳۱۶/۲۹).

نکته‌ای که در مورد دو روایت موجود در کتاب صحیح بخاری وجود دارد، آن است که عبارت «تقتله الفئة الباغیة» در برخی از نسخه‌های چاپ شده از این کتاب وجود ندارد. به عبارت دقیق‌تر، از ۱۹ نسخه چاپی بررسی شده، مشاهده شده است که در ۴ نسخه، عبارت مورد نظر در قسمتی از کتاب موجود بوده و در قسمت دیگر نیامده است (برای نمونه، نک: بخاری، ۱۴۱۷ق، ۹۶، ۵۷۱؛ همان، ۱۸۶۸م، ۱/۱۲۴، ۲/۲۰۵). در سایر نسخه‌ها این عبارت در هر دو بخش آمده است (برای نمونه، نک: بخاری، ۱۴۳۷ق، ۳۴۷، ۱۳۳۹؛ همان، ۱۴۲۹ق، ۸۲، ۴۶۵).

در نگاه اول با توجه به کثرت نسخه‌های چاپی که این عبارت در آن‌ها موجود است، می‌توان احتمال داد که عبارت مورد نظر در اصل کتاب وجود داشته و برخی از نسخه‌هایی که این عبارت در آن‌ها نیامده است، دچار تصحیف یا تحریف شده‌اند؛ احتمال دیگر آن است که این عبارت از همان ابتدا توسط بخاری از متن روایت حذف شده و در کتاب وجود نداشته است؛ اما بعدها توسط عده‌ای از ناسخان به آن اضافه شده است. از آنجا که ناسخان سهمی بسزا در انتقال آثار حدیثی داشته‌اند، نقش آن‌ها را به شکل ساده‌انگارانه هم‌چون یک دستگاه کپی نباید در نظر گرفت؛ بلکه آن‌ها افرادی صاحب‌اختیار در رویارویی با متون بوده‌اند. نسخه‌نگاران در بسیاری از موارد از

روی عمد تصرفاتی در متن پدید می‌آورده‌اند که گاهی باعث تغییر در فهم احادیث نیز می‌شده است. این تصرفات معمولاً با انگیزه تکمیل، تغییر، تلخیص یا خلق اثر جدید بوده است (ایزدی و شجاعی، ۱۳۹۶ش، ۱۲۱).

بر این اساس، پرسش‌های ما در این مطالعه از این قرار خواهد بود: اولاً آیا عبارت «تقتله الفئة الباغية» از همان ابتدا در متن حدیث موجود در کتاب صحیح بخاری بوده است؟ ثانیاً بر فرض نبود این عبارت در متن حدیث، آیا تحریف رخ داده یا عمدی در کار نبوده است؟ ثالثاً در صورت تحریف، انگیزه بخاری برای تحریف این روایت چه بوده است؟ بر این اساس، آنچه در این مطالعه بررسی می‌شود، وجود یا نبود عبارت مورد نظر در نسخه‌های خطی و سایر کتاب‌های مرتبط با صحیح بخاری، و سپس بررسی تحریف این روایت توسط بخاری و علت آن است.

۱. وضعیت عبارت در نسخه‌های خطی صحیح بخاری

برای بررسی وجود و نبود عبارت مورد نظر در نسخه‌های خطی کتاب صحیح بخاری، در ابتدا لازم است توضیح مختصری درباره طبقه روایان این کتاب داده شود تا بر اساس روایان این کتاب، بررسی‌های بعدی انجام گیرد. مشهورترین افرادی که این کتاب را در طبقه اول از بخاری روایت کرده‌اند، ۳ تن به نام‌های ابراهیم بن معقل نسفی (د ۲۹۵ق)، حماد بن شاکر نسفی (د ۳۱۱ق)، ابو عبدالله محمد بن یوسف فربری (د ۳۲۰ق) اند (عبدالحلیم، ۱۴۳۴ق، ۱/ ۱۲۰). از میان این روایات، تنها از روایت فربری نسخه‌های فراوان خطی باقی مانده و بسیاری از علماء متقدم و متأخر عامه، صحیح بخاری را از طریق او گرفته‌اند. فربری این کتاب را دو مرتبه در سال‌های ۲۴۸ق و ۲۵۲ق از طریق سماع از بخاری فرا گرفته است (همان، ۱/ ۱۸۹).

کتاب صحیح بخاری در طبقه بعد از فربری، از عده زیادی از او نقل شده است. اسامی مشهورترین روایان در این طبقه عبارت‌اند از اُحسیکنی (د ۳۴۶ق)، ابوعلی بن سکن (د ۳۵۳ق)، ابوزید مروزی (د ۳۷۱ق)، ابواحمد جرجانی (د ۳۷۳ق)، ابن شُبویه (د ۳۷۸ق)، ابواسحاق مُستملی (د ۳۸۱ق)، احمد بن حمویه (د ۳۸۱ق)، نُعیمی (د ۳۸۶ق)، ابوالهیشم کُشمیهتی (د ۳۸۹ق) و ابوعلی کُشانی (د ۳۹۱ق) (همان، ۱/ ۲۰۶).

اسامی مشهورترین روایان در طبقات بعد نیز بدین شرح است: اصیلی (د ۳۹۲ق) و قابسی (د

۴۰۳ق) از ابوزید مروزی، ابو نعیم اصبهانی (د ۴۳۰ق) از ابواحمد جرجانی، عیار نیشاوری (د ۴۵۷ق) از ابن شَبَّوْیه، ابوذر هروی (د ۴۳۴ق) از مستملی و ابن حمویه و کشمیهنی، کریمه مروزیه (د ۴۶۳ق) از کشمیهنی، ابوالوقت (د ۵۵۳ق) از داوودی (د ۴۶۷ق) از ابن حمویه (همان، ۱/ ۲۱۴-۳۱۶).

در این میان، ۴ روایت ابوذر، ابوالوقت، کریمه و اصیلی تا سدهٔ ۶ق، جزء مشهورترین روایات به شمار می‌آیند (همان، ۱/ ۳۱۷). در ادامه به معرفی این روایات و بررسی وجود یا نبود عبارت «تقتله الفئة الباغية» در نسخه‌های موجود از کتاب صحیح بخاری بر اساس این روایات پرداخته خواهد شد.

الف) روایت ابوذر

مشهورترین روایت از بین ۴ روایت مشهور، روایت ابوذر است. علت این شهرت آن است که او صحیح بخاری را از سه تن از مشایخش فرا گرفته است. او صحیح را در سال ۳۷۳ق از ابن حمویه، در سال ۳۷۴ق از مستملی و در سال ۳۸۹ق از کشمیهنی شنیده، همچنین بر آنان قرائت کرده است (همان، ۱/ ۳۳۷). وضعیت وجود یا نبود عبارت «تقتله الفئة الباغية» در روایت ابوذر در جدول شماره ۱ به این شرح است.

جدول ۱ - بررسی عبارت در روایت ابوذر					
ردیف	تاریخ کتابت	محل نگهداری	مرجع مشخصات نسخه	وضعیت عبارت در کتاب «الصلاة»	وضعیت عبارت در کتاب «الجهاد»
۱	۴۹۲ق	کتابخانه الخزانة العامة - مراكش، شم ۱۳۳۹/د	الفهرس الشامل للتراث... ۱۴۱۱ق، ۱/۴۹۳	نامشخص	x
۲	۵۳۵ق	المكتبة الحسنية - مغرب	yun.ir/6mr4cf	x	x
۳	۵۵۰ق	کتابخانه مراد ملا - ترکیه، شم ۵۷۷	دفتر کتابخانه دامادزاده قاضی عسکر، ۱۳۱۱ق، ۴۸	x	x
۴	۵۹۱ق	کتابخانه تویکایی سرای - ترکیه، شم ۲۲۱۵	الفهرس الشامل للتراث... ۱۴۱۱ق، ۱/۴۹۳	x	✓
۵	سده ۶	کتابخانه دانشگاه لایپزیگ - آلمان، شم ۳۰۱	همان، ۱/۴۹۳	نامشخص	x
۶	۷۳۶ق	کتابخانه فاتح - ترکیه، شم ۱۰۶۳	دفتر فاتح کتابخانه سی، بی تا، ۶۲	نامشخص	x
۷	۷۴۱ق	کتابخانه لاله لی - ترکیه، شم ۶۰۶	الفهرس الشامل للتراث... ۱۴۱۱ق، ۱/۵۵۸	x	x
۸	سده ۷ق	کتابخانه ثناء الله - پاکستان	الفقیه، ۱۴۳۴ق، ۱۰۹	نامشخص	x
۹	پیش از سده ۷ق	کتابخانه حرم نبوی - عربستان، شم ۲۳۲/۶۷	همان، ۱۱۷	x	x
۱۰	۱۱۸۱ق	کتابخانه برلین - آلمان، شم ۲۰۶۵	الفهرس الشامل للتراث... ۱۴۱۱ق، ۱/۵۲۱	✓	x
۱۱	سده ۱۲	کتابخانه جامعة الملك سعود - عربستان، شم ۷۲۹۴	yun.ir/tuyq68	x	نامشخص
۱۲	۱۲۸۵ق	کتابخانه جامعة الملك سعود - شم ۵۴۰۸	yun.ir/rv73	x	نامشخص
۱۳	۱۲۸۸ق	کتابخانه جامعة الملك سعود، شم ۵۳۶۱	yun.ir/y5ovlf	x	x
۱۴	۱۲۹۹ق	کتابخانه جامعة الملك سعود، شم ۷۲۹۹	yun.ir/77x0h9	x	نامشخص
۱۵	سده ۱۳	کتابخانه جامعة الملك سعود، شم ۵۳۶۰	yun.ir/nytyyc	x	نامشخص
۱۶	۱۳۱۵ق	کتابخانه جامعة الملك سعود، شم ۵۷۸۵	yun.ir/tyes01	x	x
۱۷	نامعلوم	کتابخانه سلطان احمد - ترکیه، شم ۷۱	yun.ir/35zwrf	x	x
۱۸	نامعلوم	کتابخانه ملی پاریس - فرانسه، شم ۶۸۹	De Slane, 1985, 153	x	نامشخص

بر اساس آنچه در جدول شماره ۱ آمده است، به صورت خلاصه می توان گفت که از بین ۱۸ نسخه بررسی شده از روایت ابوذر، عبارت مورد نظر، تنها در ۲ نسخه و تنها در ۱ قسمت از این ۲ نسخه در متن حدیث آمده است. این عبارت در ۷ نسخه در هیچ یک از دو بخش کتاب نیامده است. در ۹ نسخه باقی مانده نیز، عبارت مورد نظر در بخشی از کتاب نیامده، و وضعیت وجود یا

نبود عبارت در بخش دیگر کتاب به دلیل ناقص بودن نسخه‌ها، مشخص نیست. در نتیجه این عبارت در اکثریت قریب به اتفاق نسخه‌های روایت ابوذر موجود نیست.

ب) روایت ابوالوقت

ابوالوقت، عبدالاول بن عیسی صحیح بخاری را در سال ۴۶۵ق از داوودی فراگرفت. داوودی نیز صحیح را در سال ۳۸۱ق از ابن شَبویه شنید (عبدالحلیم، ۱۴۳۴ق، ۱ ۳۸۸). ظاهر امر نشان می‌دهد که بیش‌ترین نسخه‌های خطی که تا به امروز به دست ما رسیده، مربوط به این روایت است. همچنین اکثریت قریب به اتفاق نسخه‌های چاپ شده در انتشارات نیز از همین روایت استفاده کرده‌اند. بررسی بر روی این روایت، برای ما روشن می‌سازد که اولاً آیا این عبارت در این روایت آمده است یا نه و ثانیاً، آیا ناشران از نسخه‌های اصلی برای نشر کتاب بهره برده‌اند یا نه. وضعیت وجود یا نبود عبارت «تقتله الفئة الباغية» در روایت ابوالوقت را می‌توان در جدول شماره ۲ و ۳ دید.

جدول ۲- بررسی عبارت در روایت ابوالوقت تا سده ۸ق					
ردیف	تاریخ کتابت	محل نگهداری	مرجع مشخصات نسخه	وضعیت عبارت در کتاب «الصلاة»	وضعیت عبارت در کتاب «الجهاد»
۱	۶۹۴ق	کتابخانه چستربیتی - ایرلند، شمر ۴۱۷۶	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۴۹۴/۱	✓	✓
۲	سده ۷	کتابخانه چستربیتی، ایرلند، شمر ۵۲۴۳	همان جا	✓	نامشخص
۳	سده ۷	کتابخانه لاله‌لی، ترکیه، شمر ۶۱۳	همان، ۱/ ۵۵۸	✓	✓
۴	سده ۷	کتابخانه الجامعة الاسلامیة - عربستان	yun.ir/y7zoq9	*	نامشخص
۵	۷۰۷ق	کتابخانه ایاصوفیه - ترکیه، شمر ۸۴۲	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۳۲/۱	نامشخص	* - در حاشیه
۶	۷۱۵ق	کتابخانه داماد ابراهیم - ترکیه، شمر ۲۶۴	همان، ۱/ ۵۵۳	✓	✓
۷	۷۲۰ق	کتابخانه فاتح - ترکیه، شمر ۱۰۴۲	دفتر فاتح کتبخانه سی، بی تا، ۶۱	✓	✓
۸	۷۲۵ق	کتابخانه کوپرلی، ترکیه، شمر ۳۶۲	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۴۹۵/۱	✓	✓
۹	۷۳۰ق	کتابخانه رئیس کتاب - ترکیه، شمر ۲۲۷	دفتر کتبخانه عاشر افندی، ۱۶، ۱۳۰۶ق، ۱۶	* - در حاشیه	✓
۱۰	۷۳۹ق	کتابخانه راشد افندی - ترکیه، شمر ۱۴۶	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۴۹۵/۱	* - در حاشیه	*
۱۱	۷۴۱ق	کتابخانه فاتح - ترکیه، شمر ۱۰۶۰	دفتر فاتح کتبخانه سی، بی تا، ۶۲	* - در حاشیه	نامشخص
۱۲	۷۴۶ق	کتابخانه فیض الله افندی - ترکیه، شمر ۴۷۵	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۵۷/۱	* - در حاشیه	* - در حاشیه
۱۳	۷۴۸ق	کتابخانه اسکندریه - مصر، شمر ۸۰۴	همان، ۱/ ۴۹۵	نامشخص	✓
۱۴	۷۶۴ق	کتابخانه طرخان سلطان - ترکیه، شمر ۶۹	دفتر کتبخانه یکی جامع، ۱۳۰۰ق، ۸۲	✓	✓
۱۵	۷۷۱ق	کتابخانه طرخان سلطان - ترکیه، شمر ۶۸	همان جا	✓	✓
۱۶	۷۷۹ق	کتابخانه حاجی بشیر آقا - ترکیه، شمر ۱۶۲	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۳۸/۱	✓	*
۱۷	۷۹۹ق	کتابخانه مراد ملا - ترکیه، شمر ۵۵۰	دفتر کتبخانه دامادزاده قاضی عسکر، ۱۳۱۱ق، ۴۶	✓	✓
۱۸	۸۰۰ق	کتابخانه کوپرلی - ترکیه، شمر ۳۵۵	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۳۵۸/۱	✓	✓

جدول ۳- بررسی عبارت در روایت ابوالوقت در سده ۹ق					
ردیف	تاریخ کتابت	محل نگهداری	مرجع مشخصات نسخه	وضعیت عبارت در کتاب «الصلاة»	وضعیت عبارت در کتاب «الجهاد»
۱	۸۰۸ق	کتابخانه فاتح - ترکیه، شم ۱۰۸۵	دفتر فاتح کتبخانه سی، بی تا، ۶۳	نامشخص	*
۲	۸۱۴ق	کتابخانه ولی‌الدین افندی - ترکیه، شم ۴۹۰	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۶۴/۱	✓	✓
۳	۸۱۹ق	کتابخانه اسمان سلطان - ترکیه، شم ۹۳	همان، ۱/ ۴۹۹	* - در حاشیه	✓
۴	۸۳۰ق	کتابخانه ولی‌الدین افندی - ترکیه، شم ۴۹۴	همان، ۱/ ۵۶۴	✓	✓
۵	۸۳۳ق	کتابخانه داماد ابراهیم - ترکیه، شم ۲۶۶	همان، ۱/ ۵۰۱	✓	✓
۶	۸۴۲ق	کتابخانه کوبریلی - ترکیه، شم ۳۶۰	همان، ۱/ ۵۰۲	✓	✓
۷	۸۴۴ق	کتابخانه فاتح - ترکیه، شم ۱۰۶۴	دفتر فاتح کتبخانه سی، بی تا، ۶۲	✓	✓
۸	۸۴۷ق	کتابخانه اسمان سلطان - ترکیه، شم ۹۲	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۰۴/۱	✓	✓
۹	۸۴۷ق	کتابخانه ایصوفیه - ترکیه، شم ۷۷۴	همان، ۱/ ۵۳۱	✓	✓
۱۰	۸۵۱ق	کتابخانه ایصوفیه - ترکیه، شم ۸۱۳	همان، ۱/ ۵۳۱	✓	✓
۱۱	۸۵۴ق	مجموعه یهودا - قدس	yun.ir/d2y696	✓	✓
۱۲	۸۵۷ق	کتابخانه اسعد افندی - ترکیه، شم ۳۰۱	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۳۵/۱	✓	✓
۱۳	۸۷۳ق	کتابخانه اسمان سلطان - ترکیه، شم ۹۴	همان، ۱/ ۵۰۶	* - در حاشیه	* - در حاشیه
۱۴	۸۷۴ق	کتابخانه الحرم المکی - عربستان، شم ۹۰۷	فهرس مخطوطات مکتبه الحرم المکی، ۱۴۳۸ق، ۱۸۱/۲	✓	* - در حاشیه
۱۵	۸۸۷ق	کتابخانه ایصوفیه - ترکیه، شم ۷۹۲	الفهرس الشامل للتراث...، ۱۴۱۱ق، ۵۳۱/۱	✓	✓
۱۶	سده ۹	کتابخانه ولی‌الدین افندی - ترکیه، شم ۵۰۶	همان، ۱/ ۵۶۴	✓	نامشخص

چنان‌که مشاهده می‌شود، این عبارت در اغلب نسخه‌های روایت ابوالوقت موجود بوده و تنها در برخی از نسخه‌ها وجود ندارد. گرچه این عبارت در اکثر نسخه‌هایی که در متن حدیث نیامده، در حاشیه کتاب ذکر شده است. نکته دیگر آن که عبارت مورد نظر در برخی از نسخه‌ها تنها در یک قسمت از کتاب بیان شده است. مشابه این امر در ۴ نسخه چاپ شده از این کتاب که پیش‌تر درباره آن صحبت شد، وجود دارد.

بنا بر آنچه بیان شد، می‌توان این احتمال را داد که عبارت مورد نظر با توجه به کثرت نسخه‌ها، در روایت ابوالوقت آمده است. اما بنا بر قرائن متعددی این احتمال نیز می‌تواند رد بشود.

این که در برخی از نسخه‌ها این عبارت در حاشیه کتاب آمده است، خود دلیل بر آن است که از قول بخاری نقل نشده است. بلکه ابوالوقت یا ناسخان بر اساس شهرت این عبارت، آن را در حاشیه آورده‌اند. در همین رابطه ابن‌اثیر (د ۶۰۶ق) در کتاب *جامع الاصول* ادعا کرده است که روایت «تقتله الفئة الباغية» را از نسخه‌ای خوانده است که بر ابوالوقت قرائت شده و خط ابوالوقت نیز در آن نسخه بوده است. در آن نسخه، عبارت مورد نظر در متن حدیث نیامده و در حاشیه کتاب نوشته شده بود. گرچه ابوالوقت آن عبارت را جزئی حدیث می‌دانست (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ۹/۴۵).

دلیل دیگری که شاهد بر صدق این ادعا است، آن است که ابوالوقت صحیح بخاری را از داوودی و او از ابن‌حمویه گرفته است. پیش‌تر بیان شد که ابن‌حمویه یکی از مشایخ ابوذر نیز بوده است و ابوذر که صحیح را از او و دو تن از مشایخ دیگرش گرفته بود، این عبارت را داخل در حدیث نیاورد.

پ) روایت کریمه و روایت اصیلی

روایت کریمه به دلیل دقت فراوان و سخت‌گیری او در فراگیری صحیح بخاری، به‌عنوان یکی از روایات مشهور از این کتاب شناخته می‌شود. او صحیح را در سال ۳۸۹ق از کشمیهنی فرا گرفت (عبدالحلیم، ۱۴۳۴ق، ۱/۴۱۱). از روایت کریمه نسخه‌های زیادی در دسترس نیست. در مسیر انجام این مطالعه، فقط ۳ نسخه شناسایی شده است که به شرح زیر است.

جدول ۴- بررسی عبارت در روایت کریمه					
ردیف	تاریخ کتابت	محل نگهداری	مرجع مشخصات نسخه	وضعیت عبارت در کتاب «الصلوة»	وضعیت عبارت در کتاب «الجهاد»
۱	۸۳۶ق	کتابخانه فاتح - ترکیه، شم- ۱۰۸۴	دفتر فاتح کتبخانه سی، بی تا، ۶۳	x	x
۲	۱۱۴۶ق	کتابخانه ملی پاریس، شم- ۶۸۴	الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، ۱۴۱۱ق، ۵۱۸/۱	✓	✓
۳	نامعلوم	کتابخانه قره چلبی‌زاده، ترکیه، شم- ۴۵	دفتر کتبخانه قره چلبی‌زاده، بی تا، ۵	x	نا مشخص

طبق شرحی که از نسخه‌های روایت کریمه در جدول شماره ۴ آمده است، این موضوع روشن می‌شود که در روایت کریمه نیز عبارت مورد نظر در متن اصلی وارد نشده است. گرچه در نسخه پاریس این عبارت در متن حدیث وارد شده است؛ ولی باید گفت که سند این نسخه در طبقه بعد از کریمه با سند نسخه کتابخانه فاتح در طبقه بعد از کریمه مشابه است و چنان‌که مشخص شد،

عبارت در نسخه کتابخانه فاتح نیامده است. سند نسخه مجهول نیز متفاوت از آن دو نسخه است که در این نسخه نیز در کتاب «الجهاد و السیر» این عبارت در متن حدیث وارد نشده است. چه بسا در کتاب «الصلاة» نیز که مفقود شده است، چنین اتفاقی افتاده باشد.

راوی چهارم از راویان مشهور صحیح بخاری، عبدالله بن ابراهیم اصیلی (د ۳۹۲ق) است که صحیح را دو بار در سالهای ۳۵۳ق و ۳۵۹ق از ابوزید مروزی شنید (عبدالحلیم، ۱۴۳۴ق، ۱/ ۳۸۰). درباره روایت اصیلی باید گفت علیرغم جستجوی فراوان، نسخه‌ای مربوط به روایت او یافت نشده است. اما برخی از مؤلفان کتاب‌های مرتبط با کتاب صحیح بخاری، ادعا کرده‌اند که صحیح را از طریق روایت اصیلی گرفته‌اند. مهلب بن احمد (د ۴۳۵ق) یکی از آن مؤلفان است که در مقدمه کتاب *المختصر النصیح* — که با هدف تلخیص کتاب صحیح بخاری و تهذیب آن و حذف روایات مکرر تألیف گردیده است — اذعان می‌کند به این‌که صحیح بخاری را از طرق اصیلی و قابسی از ابوزید مروزی گرفته و روایات کتاب او بر اساس این روایت است (مهلب بن احمد، ۱۴۳۰ق، ۱/ ۱۵۹). حال وقتی به حدیث مورد نظر مراجعه گردد، مشاهده می‌شود که آن عبارت در متن حدیث وارد نشده است (همان، ۱/ ۳۲۴).

ت) دیگر روایات

در کنار روایات چهارگانه فوق، تنها ۲ نسخه از روایت کشّانی نیز یافت شده است که در آن‌ها عبارت مورد نظر در حدیث مذکور آمده است. این ۲ نسخه متعلق به کتابخانه‌های ایاصوفیه و تورهان سلطان، در ترکیه با شماره ۷۷۳ و ۶۷ اند که در سال‌های ۷۴۳ق و ۷۴۹ق کتابت شده‌اند (*الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط*، ۱۴۱۱ق، ۱/ ۵۳۱؛ دفتر کتبخانه یکی جامع، ۱۳۰۰ق، ۸۲). نکته‌ای که درباره این دو نسخه باید گفته شود، آن است که راوی این نسخه‌ها در طبقه بعد از کشّانی، حسین بن احمد بن سلامه مالکی است (بخاری، نسخه خطی، برگ یک، پشت) با این حال، با بررسی که در کتب تراجم و طبقات صورت گرفته است، در هیچ جا نام او به‌عنوان راوی صحیح بخاری از طریق کشّانی به چشم نمی‌خورد. به تعبیر دیگر، در کتب متعدد اسامی ۱۴ نفر از افرادی که صحیح بخاری را از کشّانی روایت کرده‌اند، ذکر شده است. اما نام او در بین این ۱۴ نفر یافت نمی‌شود (عبدالحلیم، ۱۴۳۴ق، ۱/ ۳۱۰).

برای حل این مسئله می‌توان این فرض را پذیرفت که حسین بن احمد راوی پانزدهم صحیح

بخاری از کَشَّانی بوده و این اشکال را بر کتب تراجم و طبقات وارد دانست که نام او را به عنوان راوی پانزدهم از کَشَّانی ذکر نکرده‌اند. نیز می‌توان این احتمال را داد که او کتاب را با واسطه از کَشَّانی روایت کرده و نام واسطه‌ها را ذکر نکرده است. با پذیرش تمام این احتمالات، باز هم بعید به نظر می‌رسد که در روایت کَشَّانی، این عبارت معروف آمده باشد. قاضی عیاض (د ۵۴۴ق) محدث سدهٔ ۶ق و ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲ق) شارح صحیح بخاری که به روایت کَشَّانی دسترسی داشته‌اند (نک: قاضی عیاض، بی‌تا، ۱/ ۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۶)، پس از نقل این حدیث، اسامی راویانی که حدیث را همراه با عبارت مورد نظر آورده‌اند، بیان کرده‌اند که در آن‌ها نام کَشَّانی دیده نمی‌شود (نک: قاضی عیاض، بی‌تا، ۲/ ۳۸۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۵۴۲).

هم‌چنین نسخه‌ای از کتاب صحیح بخاری منسوب به ابن عساکر، در کتابخانهٔ دانشگاه پرینستون آمریکا با شماره ۵۷۷ یافت شده است (عایش، ۱۴۳۲ق، ۳/ ۲۵۵). او سند کتابش را به روایات کشمیهنی، ابن شَبَّویه، نعیمی و ابوالوقت رسانده است. عبارت مورد نظر در این نسخه، در کتاب «الصلاة» موجود بوده؛ اما در کتاب «الجهاد و السیر» موجود نیست. گرچه در این نسخه به جای فعل «تقتله» از فعل «یقتله» استفاده شده است که نام‌آنوس به نظر می‌رسد.

۲. وضعیت عبارت در کتب تألیف شدهٔ مرتبط با صحیح بخاری

پس از بررسی نسخه‌های خطی صحیح بخاری، اینک باید به بررسی کتاب‌هایی که مرتبط با صحیح بخاری تألیف گردیده‌اند، پرداخته شود. این کتاب‌ها شامل شروح، تلخیص و مختصر نویسی، جمع بین صحیح بخاری و صحیح مسلم، جمع کتب سَنَه و شرح لغات غریب‌اند.

الف) وضعیت عبارت در کتاب‌ها تا سدهٔ ۶ق

پیش‌تر بیان شد که تا سدهٔ ۶ق، ۴ روایت ابوذر، ابوالوقت، کریمه و اصیلی مشهورتر از سایر روایات صحیح بخاری بودند. بر این اساس ابتدا کتاب‌هایی که تا سدهٔ ۶ق تألیف شدند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است برخی از مؤلفان در مقدمهٔ کتابشان اشاره کردند که مبنای‌شان در نقل کتاب صحیح بخاری، روایت چه کسی بوده است که به آن‌ها نیز اشاره می‌شود.

جدول ۵- بررسی عبارت در کتاب‌های مرتبط با صحیح بخاری تا سده ۹ق					
ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	مشخصات مطلب	وضعیت عبارت	توضیحات
۱	الاتفاق و الأفراد	دارقطنی (د ۳۸۵ق)	دارقطنی، نسخه خطی، صفحه سیمصد و سی و هشت	x	_____
۲	المختصر النصیح فی تهذیب الجامع الصحیح	مهلب بن احمد (د ۴۳۵ق)	مهلب بن احمد، ۱۴۳۰ق، ۳۲۴/۱	x	روایات اصیلی و قابسی
۳	شرح صحیح البخاری	ابن بظال (د ۴۴۹ق)	ابن بظال، ۱۴۲۳ق، ۹۸/۲	x	روایت مهلب
۴	الجمع بین الصحیحین	حمیدی (د ۴۸۸ق)	حمیدی، ۱۴۲۳ق، ۱۲/ ۴۶۱	x	روایت کریمه
۵	جامع الصحیحین بحدف المعاد و الطرق	ابن حدّاد (د ۵۱۷ق)	ابن حدّاد، ۱۴۴۰ق، ۶۹۴	x	_____
۶	تجرید الصحاح السنّه	رزین بن معاویه (د ۵۳۵ق)	عبدری، نسخه خطی، برگ سی و شش، پشت	x	روایت ابوذر
۷	مشارك الانوار	قاضي عياض (د ۵۴۴ق)	قاضي عياض، بی تا، ۱۲/ ۳۸۲	x	روایات ابوذر، اصیلی، قابسی، کریمه، ابن سکن، کشانی، همدانی، ابونعیم، ابن شتیویه و ابراهیم بن معقل نسفی
۸	مطالع الانوار علی صاحح الآثار	ابن قرقول (د ۵۶۹ق)	ابن قرقول، بی تا، ۲۸/۳	x	_____
۹	الجمع بین الصحیحین	ابن خزّاط (د ۵۸۱ق)	اشبیلی، بی تا، ۲۶۴/۴	x	_____
۱۰	کشف المشکل من حدیث الصحیحین	ابن جوزی (د ۵۹۷ق)	ابن جوزی، بی تا، ۱۶۱/۳	✓	_____
۱۱	ارشاد الساری الی اختصار صحیح البخاری	ابن اشتویه (د سده ۹ق)	ابن اشتویه، ۱۴۲۸ق، ۲۸۸	✓	روایت عتار نیشابوری

ب) وضعیت عبارت در کتاب‌ها از سده ۷ق تا سده ۹ق

اکنون باید به بررسی کتاب‌هایی پرداخت که از سده ۷ق تا سده ۹ق تألیف شدند. علت آن که حد و مرز بررسی، تا سده ۹ق مورد توجه قرار گرفت نه پس از آن، این است که در این مدت شارحان مشهوری هم چون کرمانی، ابن حجر عسقلانی و عینی با در دست داشتن نسخه‌های متعدد از روایان متعدد صحیح بخاری، به شرح آن پرداختند (برای نمونه، نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۶-۷؛ عینی، بی تا، ۱/ ۴-۵). شارحان پس از این سده هم چون قسطلانی (د ۹۲۳ق)، عمدتا از شروح شارحان پیش از خود استفاده کردند و از این جهت نمی‌توانند معیار خوبی برای بررسی وضعیت عبارت مورد نظر باشند.

جدول ۶ - بررسی عبارات در کتاب‌های مرتبط با صحیح بخاری از سده ۷ ق تا سده ۹ ق					
ردیف	نام کتاب	نام مؤلف	مشخصات مطلب	وضعیت عبارات	توضیحات
۱	مطلع النیرین المختصر من الصحیحین	ابن رضوان (د ۰۵ق)	ابن رضوان، ۱۴۴۰ق، ۱۵۱	x	—
۲	جامع الأصول لأحادیث الرسول	ابن اثیر (د ۰۶ق)	ابن اثیر، ۱۳۹۲ق، ۴۳/۹	x	روایت ابوالوقت
۳	الجمع بین الصحیحین	موصلی (د ۲۲ق)	موصلی، ۱۴۳۹ق، ۴۴۴	x	—
۴	مشارق الأنوار النبویة	ضغانی (د ۵۰ق)	ضغانی، ۱۴۳۹ق، ۲۹۶	x	—
۵	اختصار کتاب البخاری و بیان غریبه	قرطبی (د ۵۶ق)	قرطبی، نسخه خطی، کتاب الجهاد	x	—
۶	مصباح الصحاح لاستضاء أولى العلم و الصلاح	ابن بارزی (د ۸۳ق)	ابن بارزی، ۱۴۳۷ق، ۳۱۴	x	—
۷	جنى الجنین و مجمع البحرین فی تجرید متون الصحیحین	ابن ابی الرجا (د ۰۰ق)	ابن ابی الرجا، ۱۴۴۰ق، ۳۰۳	x	—
۸	مجمع البحرین العذیبین مجرد احادیث الصحیحین	جعفری (د ۳۲ق)	جعفری، ۱۴۳۸ق، ۱۴۰	x	روایت ابوالوقت
۹	تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف	مزی (د ۴۲ق)	مزی، ۱۴۰۳ق، ۴۲۷/۳	x	—
۱۰	تهذیب الاصول فی احادیث الرسول	علائی (د ۶۱ق)	علائی، نسخه خطی، ۲۶۰	x	—
۱۱	التلویح شرح الجامع الصحیح	بکجری (د ۶۲ق)	بکجری، ۱۴۳۸ق، ۹۷/۴	✓	—
۱۲	الکواکب الداراری فی شرح صحیح البخاری	کرمانی (د ۸۶ق)	کرمانی، ۱۴۴۱ق، ۳۷۰	✓	—
۱۳	التنقیح للفاظ الجامع الصحیح	زرکشی (د ۹۴ق)	زرکشی، ۱۴۲۴ق، ۱/۱۶۱	x	—
۱۴	فتح الباری شرح صحیح البخاری	ابن رجب حنبلی (د ۹۵ق)	ابن رجب، ۱۴۱۷ق، ۳/۲۹۹	x	—
۱۵	مقاصد التنقیح الی شرح الصحیح	کازرونی (د ۰۲ق)	کازرونی، ۱۴۴۰ق، ۲۱۶	✓	روایت ابوالوقت
۱۶	التوضیح لشرح الجامع الصحیح	ابن ملقن (د ۰۴ق)	ابن ملقن، ۱۴۴۱ق، ۱/۶۹۰	✓	روایت ابوالوقت
۱۷	مصایب الجامع	دمامین (د ۲۷ق)	دمامین، ۱۴۳۹ق، ۱/۲۰۱	x	—
۱۸	التلویح الی معرفة ما فی الجامع الصحیح	کفیری (د ۳۱ق)	کفیری، ۱۴۴۱ق، ۲۷۲	x	روایت ابوالوقت
۱۹	مجمع البحرین و جواهر حبرین	ابن کرمانی (د ۳۳ق)	ابن کرمانی، ۱۴۴۰ق، ۷۸۳	✓	—
۲۰	اللامع الصبیح بشرح الجامع الصحیح	برماوی (د ۳۷ق)	برماوی، ۱۴۳۳ق، ۳/۲۱۴	✓	—
۲۱	التلفیح لفهم قارئ الصحیح	برهان‌الدین حلبی (د ۴۱ق)	حلبی، بی تا، ۱/۷۱۱	x	روایت ابوذر
۲۲	فتح الباری شرح	عسقلانی	ابن حجر عسقلانی،	x	روایت ابوذر

		۱۳۷۹.ق. ۱/ ۵۴۲	(د ۸۵۲ق)	صحیح البخاری	
—	✓	عینی، بی تا، ۴/ ۲۰۹	عینی (د ۸۵۵ق)	عمدة القاری شرح صحیح البخاری	۲۳
روایت ابوالوقت	x	مخزومی، ۱۴۳۸.ق. ۴۵	مخزومی (د ۸۸۶ق)	مختصر الجامع الصحیح للبخاری	۲۴
روایت ابوالوقت	x	زبیدی، نسخه خطی، برگ بیست و شش، رو	زبیدی (د ۸۹۳ق)	التجرید الصریح	۲۵
—	x	عامری، ۱۴۳۸.ق. ۱۱۳	عامری (د ۸۹۳ق)	الریاض المستطابة	۲۶
—	✓	کورانی، ۱۴۲۹.ق. ۱۲۸/۲	کورانی (د ۸۹۳ق)	الکوثر الجاری الی ریاض احادیث البخاری	۲۷

پ) تحلیل شواهد

پس از بیان وضعیت وجود یا نبود عبارت مورد نظر در کتاب‌های مرتبط با صحیح بخاری، بیان برخی از نکات ضروری به نظر می‌رسد. نخست این‌که از لحاظ بررسی آماری، واضح است که عبارت مورد نظر تا سده ۸ق در بیش‌تر کتاب‌ها نیامده و از ۲۵ کتاب بررسی شده تا این سده، این عبارت تنها در ۴ کتاب آمده است. اما وجود عبارت در کتاب‌های سده ۹ق، بیش از پیش یافت می‌شود.

نکته دیگر آن‌که در کتاب‌هایی که از روایات ابودر، کریمه و اصیلی استفاده کرده اند، عبارت مورد نظر نیامده است. هم‌چنین در ۵ کتاب از ۶ کتابی که در آن‌ها صرفاً از روایت ابوالوقت استفاده شد، این عبارت وجود ندارد. این خود قرینه‌ای دیگر بر این نکته است که در روایت ابوالوقت، این عبارت در متن روایت بیان نشد. سایر مؤلفانی که تصریح به استفاده از روایت ابوالوقت کردند و عبارت مورد نظر در کتاب آن‌ها آمده است، یا از نسخه‌هایی از روایت ابوالوقت استفاده کرده‌اند که عبارت در متن روایت آمده یا از نسخه‌هایی که عبارت در حاشیه آن‌ها آمده بود استفاده کرده و خودشان عبارت را وارد متن کرده‌اند.

قاضی عیاض در کتاب *مشارق الأنوار* تصریح می‌کند که صحیح بخاری را از روایات زیادی فراگرفته است. او زمانی که به روایت و عبارت مورد نظر می‌رسد، بیان می‌کند که این عبارت تنها در روایت ابن‌سکن (د ۳۵۳ق) — یکی از راویان صحیح بخاری از قول فربری — آمده است (قاضی عیاض، بی تا، ۲/ ۳۸۲).

ابن حجر عسقلانی نیز در مقدمه کتاب *فتح الباری* تصریح می‌کند که صحیح بخاری از طرق متعددی به دست او رسیده است که عبارت‌اند از اخیسکتی، ابن‌سکن، کشانی، اصیلی، قابسی،

ابونعیم اصبهانی، عیار نیشابوری، ابوذر، داوودی و کریمه که طریق همه این راویان به فربری می‌رسد. او هم‌چنین صحیح بخاری را از طریق ابراهیم بن معقل نسفی از بخاری گرفته است. با تمام این اوصاف او معیار متن صحیح بخاری در شرحش را روایت ابوذر قرار داده و آن را متقن‌ترین روایت نامیده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۱/ ۶-۷). او وقتی به روایت مذکور می‌رسد، تصریح می‌کند که زیاده‌ای در این روایت وجود دارد که در روایات ابن‌سکن و کریمه و برخی روایات دیگر آمده است (همان، ۱/ ۵۴۲).

درباره روایت کریمه که ابن‌حجر تصریح به وجود عبارت در آن کرده است باید گفت به ۳ دلیل نمی‌توان پذیرفت که عبارت مورد نظر در روایت کریمه آمده است. دلیل اول وجود نسخه‌های قدیم قرآن است که آن عبارت در آن‌ها وجود ندارد. دلیل دوم استفاده حمیدی از روایت کریمه در تألیف کتاب *الجمع بین الصحیحین* است (حمیدی، ۱۴۲۳ق، ۴/ ۳۲۱) که عبارت مورد نظر در آن نیامده است. دلیل سوم آن است که قاضی عیاض که قبل از ابن‌حجر می‌زیسته است، تنها به وجود عبارت در روایت ابن‌سکن تصریح کرده است (قاضی عیاض، بی‌تا، ۲/ ۳۸۲). بنابراین، ابن‌حجر یا دچار اشتباه گردیده، یا در نسخه پیش‌روی او این عبارت آمده است. مانند نسخه‌ای که در جدول شماره ۳ به آن اشاره شده است.

هم‌چنین درباره روایت عیار از ابن‌شویبه که ابن‌اشتویه از این روایت استفاده کرده است، باید گفت قاضی عیاض از طریق همدانی (د ۴۱۱ق) و ابن‌حجر عسقلانی از طریق عیار به روایت ابن‌شویبه دسترسی داشته‌اند و اشاره‌ای به وجود عبارت در این روایت نکرده‌اند.

یکی از دلایل متقن برای اثبات نبود عبارت در متن صحیح بخاری را شاید بتوان وجود نسخه‌ای از کتاب *الإنفاق والإفراد* نوشته دارقطنی (د ۳۸۵ق) دانست (نک: جدول شماره ۴). او ۱۴ سال پیش از وفات فربری متولد شده است. نکته دیگر آن‌که تاریخ سماع صحیح بخاری توسط کریمه و ابوالوقت، پس از تاریخ درگذشت دارقطنی است. از این رو، به دلیل قرابت او با زمان تألیف صحیح بخاری، شاید قدیم‌ترین شاهد مبنی بر نبود عبارت در کتاب صحیح بخاری، او و کتاب او باشد.

باتوجه به شواهد موجود، اکنون پس از بررسی ۵۸ نسخه خطی و ۳۸ کتاب تألیف شده مرتب با صحیح بخاری، نتیجه نهایی برای بررسی این موضوع که آیا عبارت «تقتله الفئة الباغية» در

متن حدیث موجود در کتاب صحیح بخاری آمده است یا نه، آن است که این عبارت در متن حدیث موجود در کتاب صحیح بخاری واقع نشده است. تنها روایتی که وجود عبارت در آن را می‌توان تأیید کرد، روایت ابن‌سکن است که قاضی عیاض بدان اشاره کرده است.

لازم به ذکر است که اکثریت قریب به اتفاق کتاب‌های صحیح بخاری که در سده اخیر توسط ناشران مختلف چاپ شده‌اند، با توجه به شهرت برخی از نسخه‌های روایت ابوالوقت هم‌چون نسخه نوشته شده به دست یونینی (د ۷۰۱ق) و بقاعی (د ۸۰۶ق) که در آن‌ها عبارت مورد نظر آمده است، از این نسخه‌ها استفاده کرده‌اند. محققان این چاپ‌ها در مقدمه کتاب، به این نکته اشاره کرده‌اند.

نکته دیگری که می‌تواند قرینه‌ای بر نبود عبارت در صحیح بخاری باشد، آن است که برخی از علما هم‌چون بیهقی، ذهبی و ابن‌کثیر در کتاب‌هایی که البته، مرتبط با صحیح بخاری نیستند، این روایت را از صحیح بخاری بدون عبارت مشهور ذکر کرده‌اند (نک: بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۲/۵۶۴؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۱/۳۳۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ۷/۲۷۰).

۳. تحریف یا تصحیف

با پذیرش این که عبارت فوق در متن صحیح بخاری نیامده، جا دارد پرسید آیا بخاری عمداً آن را حذف کرده، یا سهوی روی داده است؟ شاید بتوان احتمال داد که بخاری روایت را از طریق دریافت کرده است که عبارت مورد نظر در آن وجود نداشته، و در نتیجه شخص بخاری در تحریف روایت نقشی نداشته است.

الف) احتمال نبود عبارت در طریق بخاری

برای بررسی این موضوع باید به سایر کتاب‌هایی که این روایت با سند و متن مشابه در آن‌ها آمده و عبارت مورد نظر در آن‌ها وجود داشته است، مراجعه کرد. با بررسی‌هایی که انجام شده است، این روایت با سند مشابه در ۴ طبقه متصل به پیامبر (ص) و متن مشابه (با اندکی تفاوت) در کتاب *المسنند* احمد بن حنبل که قبل از صحیح بخاری تألیف شده است و هم‌چنین صحیح ابن‌حیان (د ۳۵۴ق) آمده است که عبارت مورد نظر در آن‌ها وجود دارد (نک: احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۸/۳۶۸؛ ابن‌بلیان، ۱۴۰۸ق، ۱۵/۵۵۵). افزون بر این موارد، حاکم نیشابوری (د

۴۰۵ق) در کتاب *المستدرک* — که با هدف بیان روایاتی که طبق شروط بخاری و مسلم صحیح بوده؛ اما آن‌ها آن روایات را بیان نکردند، تألیف شده است — روایت مورد نظر را با سند مشابه در ۵ طبقه متصل به پیامبر (ص) همراه با عبارت «تقتله الفئة الباغية» آورده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۲/ ۱۶۲). پس از نقل این روایت به این نکته اشاره می‌کند که این روایت طبق شرط بخاری صحیح بوده؛ اما او این روایت را با این سیاق در صحیح نیاورد (همان‌جا) بنابراین، این عبارت در طریقی که بخاری روایت را نقل کرده است، وجود دارد.

حمیدی (د ۴۸۸ق) مؤلف کتاب *الجمع بین الصحیحین* پس از نقل این روایت، به این نکته اشاره می‌کند که در این حدیث، زیاده مشهوری وجود دارد که بخاری آن را ذکر نکرده است. یا آن عبارت در روایتی که به دست بخاری رسیده، واقع نشده است؛ یا واقع شده است؛ ولی بخاری بنا بر دلیلی که داشت عمداً آن را حذف کرده است (حمیدی، ۱۴۲۳ق، ۲/ ۴۶۲). آن چه مسلم است، آن است که عبارت مورد نظر، عبارت مشهوری است که بعید به نظر می‌رسد بخاری آن را ندیده و نشنیده باشد. چنان‌که حمیدی خود تصریح بر مشهور بودن عبارت کرده است.

ذهبی نیز تأیید کرده است که علیرغم ثابت و قطعی بودن وجود این عبارت در متن حدیث، بخاری آن را ذکر نکرده است (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۱/ ۳۳۱). ضمن این‌که در همه کتاب‌هایی که این روایت را نقل کرده اند، این عبارت مشهور دیده شده، و نبود این عبارت تنها در برخی از نسخه‌های صحیح بخاری مشاهده شده است. بنابراین، می‌توان احتمال داد که بخاری عمداً دست به تحریف این روایت و حذف این عبارت زده است.

ب) تحلیل اسباب و علل تقطیع در صحیح بخاری

یکی از ویژگی‌های صحیح بخاری که به عقیده برخی نشانه ضعف این کتاب به شمار می‌آید، تقطیع بسیاری از روایات این کتاب است. برخی عالمان به همین سبب صحیح مسلم را بر صحیح بخاری مقدم دانسته‌اند؛ زیرا مسلم روایات را تقطیع نمی‌کرده است (الهامی و هاشمی، ۱۳۷۷ش، ۲/ ۳۸۱). ابن حجر عسقلانی این ویژگی را یکی از مزایای منحصر به فرد صحیح مسلم در برابر سایر کتاب‌های حدیثی از جمله صحیح بخاری می‌داند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۱۰/ ۱۲۷). درباره علت تقطیع احادیث از سوی بخاری، اهداف و انگیزه‌هایی از سوی برخی‌ها بیان شده است. عده‌ای معتقد اند این کتاب فراتر از یک کتاب حدیثی بوده، و شاید بتوان آن را کتابی فقهی

دانست. به این دلیل که بخاری برخی از احادیث را بر حسب باب فقهی که در نظر داشته، تقطیع کرده است (الهامی و هاشمی، ۱۳۷۷ش، ۲/ ۳۷۹). برخی نیز علت تقطیع احادیث را اجتناب از تطویل احادیث طولانی و البته، تقطیع‌پذیری آن احادیث دانسته‌اند که بخشی از آن احادیث با باب مورد نظر مرتبط نیست. البته، با این شرط که او بخش دیگر حدیث را در جای دیگر بیان کند. با این حال در موارد متعددی این اتفاق نیفتاد (همان، ۲/ ۳۸۱).

هم‌چنین مواردی از تقطیع حدیث در صحیح بخاری به چشم می‌خورد که برخی‌ها دلیل این تقطیعات را تعصب بخاری نسبت به برخی از موضوعات دانسته‌اند (همان‌جا). یکی از این موارد، عدم نقل احادیث در شأن اهل بیت (ع) و تقطیع برخی از این احادیث است (همان، ۲/ ۳۷۹). البته، بخاری احادیثی را در شأن اهل بیت (ع) نقل کرده است؛ اما به عقیده عده‌ای او در بیان فضائل مهم و مشهور اهل بیت (ع) خصوصاً امام علی (ع) از جمله حدیث غدیر، طائر مشوی، و آیه تطهیر که صراحت به اولویت ایشان به مقام خلافت و عصمت دارد و از دلایل تقدم ایشان تلقی می‌شود، کوتاهی کرده است (نجمی، ۱۳۸۹ش، ۱۴۲).

ابن‌دحیه (د ۶۳۳ق) محدث، فقیه و مورخ سده ۷ق پس از نقل دو حدیث از کتاب صحیح بخاری، به تقطیع احادیث و حذف قسمت‌های مربوط به فضیلت امام علی (ع) توسط بخاری اشاره کرده، و معتقد است که او عادت به حذف روایات مربوط به فضائل امام علی (ع) داشته است (حسینی، ۱۴۲۷ق، ۱۹-۲۱). البته، شاید بتوان گفت که باتوجه به این‌که او در زمان خلفایی چون متوکل — که از ستیزه‌جوترین افراد نسبت به اهل بیت (ع) بود — می‌زیسته است، ملاحظات سیاسی نیز در این امور بی‌تأثیر نبوده است (الهامی و هاشمی، ۱۳۷۷ش، ۲/ ۳۸۱).

هم‌چنین شاید بتوان حذف مطالب اصحاب را از جمله دلایل بخاری برای تقطیع احادیث دانست. این موضوع ارتباط نزدیکی با موضوع «عدالت صحابه» دارد. اعتقاد بیش‌تر عامه بر این است که تمام اصحاب رسول خدا (ص) عادل بوده و اهل بهشت هستند. خداوند نیز تمام آن‌ها را در قرآن کریم تأیید کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۱۶۱-۱۶۳). قرطبی (د ۶۷۱ق) مفسر نامدار عامه عدالت صحابه را اعتقاد تمام عامه و امامان آن دانسته است (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ۱۶/ ۲۹۹).

با این توضیحات وقتی عدالت جمیع صحابه به‌عنوان اصلی اجماعی در میان عامه مطرح شد، برخی از محدثان که تقطیع احادیث را جایز می‌دانستند، خود را ملزم به حذف مطالب مربوط به

بدی‌های صحابه کرده‌اند. ذهبی در این باره گفته است:

«تمام آنچه از اختلافات صحابه با یکدیگر و جنگ و نبرد با همدیگر، در اختیار ما و علماء ما است، سزاوار است که تمام آن مطالب از بین برود و مخفی گردد، بلکه باید معدوم و نابود بشود؛ تا قلب‌ها نسبت به صحابه صاف گشته و موجب محبت بیش‌تر مردم به صحابه و موجب رضایت از ایشان گردد. پوشاندن این موارد اختلافی بین صحابه، از عموم مردم و از تک‌تک علماء، واجب عینی است» (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۸/ ۲۷۶).

درباره همین موضوع خاص یعنی جنگ صفین و پیش‌گویی پیامبر (ص) درباره شهادت عمار توسط لشکر معاویه نیز در برخی از کتب مطالبی مبنی بر دستور به عدم واکاوی موضوع به چشم می‌خورد. ابن‌بَطَّه (د ۳۸۷ق) از متکلمان و فقهای سده ۴ق معتقد است کسی حق ندارد به کتاب صفین، جمل، وقعة الدار و نوشته‌های مربوط به سایر درگیری‌هایی که بین صحابه انجام شده، نگاه کند. او این عقیده را اجماع علماء دانسته و بسیاری از علماء از جمله احمد بن حنبل و مالک بن انس از ائمه مذاهب چهارگانه فقهی عامه را به‌عنوان موافقان این عقیده نام می‌برد (ابن‌بَطَّه، ۱۴۲۳ق، ۲۹۵). شاید بتوان بخاری را جزء این دسته از محدثان دانست که خود را ملزم به حذف چنین مطالبی می‌دانند؛ زیرا او تقطیع حدیث را جایز می‌دانست (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۸/ ۸۴).

احمد بن فارس سلوم محقق کتاب *المختصرالنصیح* درباره علت حذف عبارت «تقتله الفئة الباغية» توسط بخاری اعتقاد دارد بخاری به خاطر حفظ شخصیت صحابه، عمداً این عبارت را حذف کرده است؛ زیرا عدم واکاوی درباره مشاجرات بین اصحاب و سکوت درباره آن از اعتقادات او بوده است و چنان‌که روشن است، در سپاه معاویه عده‌ای از صحابه نیز حضور داشتند (سلوم، ۱۴۳۰ق، ۸/ ۱۲۴). این کارها در مواردی مورد تحسین برخی‌ها نیز قرار گرفته است. حبیب الرحمن اعظمی محقق کتاب *مسند حمیدی*، ذیل روایت مربوط به شراب‌فروشی سمره بن جندب - صحابی پیامبر اکرم (ص) - در *مسند حمیدی* بیان می‌دارد که مسلم، ابن‌ماجه و بخاری این روایت را نقل کرده‌اند؛ اما بخاری در عملی شایسته به‌جای نام «سمره» از کلمه «فلاناً» استفاده کرده است تا آبروی صحابی حفظ گردد (اعظمی، ۱۳۸۱ق، ۹/ ۱).

در مقابل نیز گروهی از محدثان هم‌چون مسلم که خود را ملزم به نقل کامل حدیث می‌دانست (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۱۰/ ۱۲۷)، یا احمد بن حنبل که قائل به کراهت تقطیع حدیث بود

(سیوطی، بی تا، ۱/ ۵۴۰)، سعی کردند به گونه‌ای دیگر اصحاب را تنزیه نمایند. احمد بن حنبل که خود حدیث «فئة باغية» را به ۲۸ طریق نقل می‌کند، معتقد است که هیچ‌کدام از این طرق صحیح نیستند (خلال، ۱۴۱۰، ۳/ ۴۶۳). در جای دیگر از او درباره عبارت «تقتله الفئة الباغية» سؤال شد که او معتقد بود نباید درباره این موضوع صحبت شود (ابن منصور، ۱۴۲۵ق، ۹/ ۴۸۹). هم‌چنین نقل شده است که از او درباره مسائل بین امام علی (ع) و معاویه سؤال شد و نظر او این بود که جز خیر و نیکی نباید چیز دیگری درباره آنان گفت (خلال، ۱۴۱۰ق، ۲/ ۴۶۰). بنابراین، او به رسم برخی محدثان، خود را موظف به نقل احادیث اعم از صحیح و ناصحیح و عدم تقطیع آنها دانست؛ اما در مقام قضاوت، بسیاری از این احادیث را تضعیف کرد و معتقد به سکوت درباره آنها بود.

نتیجه

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته بر روی ۵۸ نسخه خطی از روایات مشهور کتاب صحیح بخاری تا سده ۶ق، نتیجه آن است که عبارت «تقتله الفئة الباغية» در روایات ابوذر، کریمه، و اصیلی به‌طور قطع نیامده است. درباره روایت ابوالوقت باید گفت که علیرغم کثرت نسخه‌هایی که این عبارت در آنها آمده است، برخی از نسخه‌ها وجود دارند که این عبارت در حاشیه کتاب آمده و نه در متن حدیث. این‌اثیر جزری نیز به نسخه‌ای از کتاب صحیح بخاری که بر اساس روایت ابوالوقت بوده و خط ابوالوقت بر روی آن نسخه بود، دسترسی داشت که در آن نسخه نیز عبارت مورد نظر در حاشیه کتاب نوشته شده بود. پس نهایتاً می‌توان نتیجه گرفت که این عبارت در حاشیه نسخه روایت ابوالوقت موجود بوده است؛ نه در متن حدیث.

با بررسی ۳۸ کتاب مرتبط با صحیح بخاری مشخص شد که عبارت مورد نظر در بیش‌تر کتاب‌هایی که تا سده ۸ق تألیف شدند، وجود نداشته و از سده ۹ق به بعد در بیش‌تر کتاب‌ها آمده است. هم‌چنین با مطالعه بر روی این کتاب‌ها مشخص شد که این عبارت تنها در روایت ابن‌سکن آمده است. علت وجود عبارت مورد نظر در بیش‌تر نسخه‌های چاپ شده این است که برخی از نسخه‌های روایت ابوالوقت هم‌چون نسخه یونینی و بقاعی که در آنها عبارت مورد نظر آمده است، به چنان شهرتی رسیدند که مورد استفاده بسیاری از محققان برای چاپ کتاب در انتشارات مختلف قرار گرفته است.

نکته دیگر آن که بخاری عمداً با حذف عبارت مورد نظر از متن روایت، آن را تحریف کرده است؛ زیرا این حدیث تنها در کتاب صحیح بخاری به این صورت نقل شده است. همچنین این حدیث همراه با این عبارت با سند مشابه در مسند احمد بن حنبل و صحیح ابن حبان آمده است. دلایل احتمالی متعددی برای تقطیع احادیث در صحیح بخاری بیان شده، که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تقطیع احادیث بر حسب باب فقهی مورد نظر، تقطیع احادیث طولانی، تقطیع احادیث مربوط به فضائل اهل بیت (ع) و تقطیع احادیث مربوط به مثالب اصحاب.

منابع

- ١- ابن ابی الرجا، علی بن محمود (١٤٤٠ق)، *جنی الجنّین و مجمع البحرین فی تجرید متون الصحیحین*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٢- ابن ابی شیبہ، عبداللہ بن محمد (١٤٠٩ق)، *المصنّف*، ریاض، مکتبۃ الرشد.
- ٣- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (١٤١٥ق)، *اسد الغابۃ*، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ٤- _____ (١٤١٧ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ٥- ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد (١٣٨٩ق)، *جامع الاصول*، مکتبۃ الحلوانی.
- ٦- _____ (١٣٩٢ق)، *جامع الاصول*، مکتبۃ الحلوانی.
- ٧- ابن اثنویہ، علی بن حسن (١٤٣٨ق)، *ارشاد الساری الی اختصار صحیح البخاری*، دمشق، دار الکتب المتحدہ.
- ٨- ابن بارزی، عبدالرحیم بن ابراہیم (١٤٣٧ق)، *مصباح الصحاح لاستفتاء أولى العلم و الصلاح*، دمشق، دار الکتب المتحدہ.
- ٩- ابن بطلال، علی بن خلف (١٤٢٣ق)، *شرح صحیح البخاری*، ریاض، مکتبۃ الرشد.
- ١٠- ابن بطہ، عبیداللہ بن محمد (١٤٢٣ق)، *الشرح والایانۃ*، مدینہ، مکتبۃ العلوم و الحکم.
- ١١- ابن بلبان، علی (١٤٠٨ق)، *الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان*، بیروت، موسسة الرسالہ.
- ١٢- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (١٤٠٦ق)، *منہاج السنّة النبویة*، عربستان، جامعۃ الامام محمد بن سعود.
- ١٣- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (بی تا)، *کشف المشکل من حدیث الصحیحین*، ریاض، دار الوطن.
- ١٤- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٤١٥ق)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ١٥- _____ (١٣٢٦ق)، *تهذیب التهذیب*، ہند، دائرۃ المعارف النظامیة.
- ١٦- _____ (١٣٧٩ق)، *فتح الباری*، عربستان، المکتبۃ السلفیہ.

- ۱۷- ابن حدّاد، عبيدالله بن حسن (۱۴۴۰ق)، *جامع الصحيحين بحذف المعاد و الطرق*، دمشق، عطاءات العلم.
- ۱۸- ابن رجب، عبدالرحمان بن احمد (۱۴۱۷ق)، *فتح الباری*، مدینه، مكتبة الغرباء الاثرية.
- ۱۹- ابن رضوان، عبدالعزيز (۱۴۴۰ق)، *مطلع النيرين المختصر من الصحيحين*، دمشق، عطاءات العلم.
- ۲۰- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۱- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان (۱۴۰۶ق)، *المقدمة*، بیروت، دار الفکر.
- ۲۲- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الاستيعاب*، بیروت، دار الجبل.
- ۲۳- ابن قرقول، ابراهيم بن يوسف (بی تا)، *مطالع الأنوار على صحاح الآثار*، دمشق، عطاءات العلم.
- ۲۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البداية و النهاية*، بیروت، دار الفکر.
- ۲۵- ابن کرمانی، یحیی بن محمد (۱۴۴۰ق)، *مجمع البحرين و جواهر حبرین*، دمشق، عطاءات العلم.
- ۲۶- ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۴۱ق)، *التوضیح لشرح الجامع الصحيح*، دمشق، عطاءات العلم.
- ۲۷- ابن منصور، اسحاق (۱۴۲۸ق)، *مسائل الامام احمد و اسحاق بن راهويه*، مدینه، عمادة البحث العلمی.
- ۲۸- احمد ابن حنبل (۱۴۲۱ق)، *المسند*، بیروت، مؤسسة الرساله.
- ۲۹- اشبیلی، عبدالحق بن عبدالرحمان (بی تا)، *الجمع بين الصحيحين*، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- ۳۰- اعظمی، حبیب الرحمان (۱۳۸۱ق)، مقدمه بر *مسند حمیدی*، بیروت، عالم الکتب.
- ۳۱- الهامی، داوود و هاشمی، رضا (۱۳۷۷ش)، «بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل»، *دانشنامه جهان اسلام*، جلد دوم، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- ۳۲- ایزدی، مهدی و شجاعی، حسین (۱۳۹۶ش)، «تأثیر انگیزه‌های نسخه‌نویسان در اعمال تصرفات عامدانه در متون و آثار روایی»، *علوم حدیث*، سال بیست و دوم، شماره ۳

- ٣٣- بخاری، محمد بن اسماعی (١٤٢٢ق)، *الصحيح*، دارطوق النجاه.
- ٣٤- _____ (١٤١٧ق)، *الصحيح*، وزارة الشؤون الاسلاميه.
- ٣٥- _____ (١٨٦٨م)، *الصحيح*، ليدن، بريل.
- ٣٦- _____ (١٤٣٧ق)، *الصحيح*، كراچي، البشري.
- ٣٧- _____ (١٤٢٩ق)، *الصحيح*، رياض، دارطوق.
- ٣٨- _____ (٧٤٣ق)، *الصحيح*، نسخة خطي، تركيه، كتابخانه اياصوفيه،
شماره ٧٧٣.
- ٣٩- برماوى، محمد بن عبدالدائم (١٤٣٣ق)، *اللامع الصبيح بشرح الجامع الصحيح*، دمشق،
دار النوادر.
- ٤٠- بكجرى، مغلطاي بن قليج (١٤٣٨ق)، *التلويح شرح الجامع الصحيح*، دمشق، عطاءات
العلم.
- ٤١- بيهقى، احمد بن حسين (١٤٠٥ق)، *دلائل النبوة*، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ٤٢- ترابى، اكبر (١٣٧٦ش)، «بغى»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران.
- ٤٣- جعبرى، ابراهيم بن عمر (١٤٣٨ق)، *مجمع البحرين العذبيين مجرد أحاديث
الصحيحين*، دمشق، دار الكمال المتحده.
- ٤٤- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (١٤١١ق)، *المستدرک*، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ٤٥- حسيني، على (١٤٢٧ق)، *الصحيحان فى الميزان*، قم، الحقائق.
- ٤٦- حلبى، ابراهيم بن محمد (بى تا)، *التلقيح لفهم قارئ الصحيح*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٤٧- حميدى، محمد بن فتوح (١٤٢٣ق)، *الجمع بين الصحيحين*، بيروت، دار ابن حزم.
- ٤٨- خلال، احمد بن محمد (١٤١٠ق)، *كتاب السنّة*، رياض، دار الرايه.
- ٤٩- دارقطنى، على بن عمر (٤٣٦ق)، *الإتفاق و الإفراد*، نسخة خطي، عربستان، كتابخانه
جامعة الامام محمد بن سعود، شماره ٧٤٩٨.
- ٥٠- دمامينى، محمد بن ابى بكر (١٤٣٩ق)، *مصاييح الجامع*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٥١- ذهبى، محمد بن احمد (١٤٢٧ق)، *سير اعلام النبلاء*، قاهره، دار الحديث.
- ٥٢- _____ (١٣٨٢ق)، *ميزان الاعتدال*، بيروت، دار المعرفه.

- ٥٣- زيبدى، احمد بن محمد (١٠٥٧ق)، *التجريد الصريح*، نسخة خطى، تركيه، كتابخانه فيض الله افندى، شماره ٢٨١.
- ٥٤- زركشى، محمد بن عبدالله (١٤٢٤ق)، *التنقيح لألفاظ الجامع الصحيح*، مكه، دار الرشد.
- ٥٥- سلوم، احمد (١٤٣٠ق)، مقدمه بر *المختصر النصح* مهلب بن احمد، رياض، دار التوحيد.
- ٥٦- سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر (بى تا)، *تدريب الراوى*، دار طيبه.
- ٥٧- صفانى، حسن بن محمد (١٤٣٩ق)، *مشارك الأنوار النبوية*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٥٨- عامرى، يحيى بن ابى بكر (١٤٣٨ق)، *الرياض المستطابة*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٥٩- عايش، محمد (١٤٣٢ق)، فهرس المخطوطات العربية فى جامعة برنستون، جده، سقيفة الصفا العلميه.
- ٦٠- عبدالحميد، جمعه فتحى (١٤٣٤ق)، *روايات الجامع الصحيح*، قطر، دار الفلاح.
- ٦١- عبدرى، رزين بن معاويه (٧٢٩ق)، *تجريد الصحاح الستة*، نسخة خطى، عربستان، كتابخانه جامعة الامام محمد بن سعود، شماره ٨٩٧٨.
- ٦٢- علائى، خليل بن كيكلى (بى تا)، *تهذيب الاصول فى احاديث الرسول*، نسخة خطى، تركيه، كتابخانه بنى جامع، شماره ١٧٩.
- ٦٣- عينى، محمود بن احمد (بى تا)، *عمدة القارى*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ٦٤- الفقيه، شفاء على (١٤٣٤ق)، *روايات الجامع الصحيح للإمام البخارى*، اردن، دار المأمون.
- ٦٥- قاضى عياض (بى تا)، *مشارك الأنوار على صحيح الآثار*، المكتبة العتيقة و دار التراث.
- ٦٦- قرطبى، احمد بن عمر (بى تا)، *اختصار كتاب البخارى و بيان غريبه*، نسخة خطى، كتابخانه دارالكتب المصره، شماره ٥٩٥.
- ٦٧- قرطبى، محمد بن احمد (١٣٨٤ق)، *الجامع لاحكام القرآن*، قاهره، دارالكتب المصره.
- ٦٨- كازرونى، عفيف بن سعيد (١٤٤٠ق)، *مقاصد التنقيح الى شرح الصحيح*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٦٩- كرمانى، محمد بن يوسف (١٤٤١ق)، *الكواكب الدرارى*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٧٠- كفيرى، محمد بن احمد (١٤٤١ق)، *التلويح إلى معرفة ما فى الجامع الصحيح*، دمشق، عطاءات العلم.

- ٧١- کورانی، احمد بن اسماعیل (١٤٢٩ق)، *الکوثر الجاری الی ریاض احادیث البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ٧٢- مخزومی، محمد بن محمد (١٤٣٨ق)، *مختصر الجامع الصحیح للبخاری*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٧٣- مزّی، یوسف بن عبدالرحمان (١٤٠٣ق)، *تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف*، بیروت، المكتب الاسلامی.
- ٧٤- مسلم بن حجاج (بی تا)، *الصحیح*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ٧٥- موصلی، عمر بن بدر (١٤٣٩ق)، *الجمع بین الصحیحین*، دمشق، عطاءات العلم.
- ٧٦- مهلب بن احمد (١٤٣٠ق)، *المختصر النصحیح*، ریاض، دار التوحید.
- ٧٧- نجمی، محمدصادق (١٣٨٩ش)، *سیری در صحیحین*، قم، بوستان کتاب.
- 78- De Slane, Le Baron (1895), *Catalogue Des Manuscrits Arabes*, Paris, Imprimerie Nationale.